



## دیپلماسی آبی در حوضه هریرود: راهبردهای حل اختلافات ایران و افغانستان

علی اکبر پور آلمه جوفی<sup>۱</sup> | سعید محمدی<sup>۲</sup> | محمدرضا صالحی وثیق<sup>۳</sup> | محمدباقر مکرمی پور<sup>۴</sup>

### چکیده

دیپلماسی آبی به‌عنوان یک مفهوم در حوزه مطالعات دیپلماسی و سیاست‌گذاری آب، بسیار مورد توجه بوده است. این توجه، به سبب اهمیت تغییرات ژئوپلیتیکی، نیاز به استفاده از انواع جدید دیپلماسی، و افزایش کمبود منابع آب قابل توجه است. در این پژوهش، تلاش شده با تمرکز بر مسیرهای رسمی و غیررسمی دیپلماسی آب و مرور منابع کتابخانه‌ای، به این سؤال پاسخ داده شود که فرآیندهای دیپلماسی آب چه نقشی در شناخت اقدامات ایران و افغانستان در حوضه آبی مشترک هریرود ایفا می‌کنند و چگونه ممکن است به حل اختلافات و تسهیل همکاری‌های آبی منجر شوند؟ یافته‌ها نشان می‌دهند با توجه به تنش‌ها و اقدامات متقابل، دیپلماسی آب پتانسیل حمایت از فرآیندهای حل اختلافات را دارد و با ترتیبات رسمی و غیررسمی مانند مذاکرات مستقیم و تأکید بر ابعاد فرهنگی و اقتصادی، همکاری‌های آبی ممکن می‌شود. از این‌رو، دیپلماسی آب به‌مثابه رویکردی آینده‌نگر در سیاست خارجی و دیپلماسی، می‌تواند در مدیریت منابع آبی مشترک و حل اختلافات بخش منابع آبی در چارچوب سیاست‌های کلی نظام نقش مؤثری ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: حوضه هریرود، ایران، افغانستان، دیپلماسی آب، مدیریت منابع آبی.

DOR: 20.1001.1.20086121.1402.22.102.5.1

۱. نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور قوچان، قوچان، ایران  
akbarpourali1370@gmail.com

۲. مدرس و پژوهشگر دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۴. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

## مقدمه

رابطه ایران و افغانستان با وجود پیوندهای تاریخی، مذهبی و فرهنگی دیرینه و مرزهای مشترک طولانی، تا حدودی پیچیده است. قریب به چهار دهه پیش، همزمان با حمله اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان، انقلاب اسلامی در ایران رخ داد و از آن زمان تلاش‌های ایران برای حفظ روابط با افغانستان آغاز شد و تداوم یافت. امروزه ماهیت پیچیده روابط ایران با افغانستان تا حدی ناشی از غالب بودن مذهب تشیع در ایران و طالبان سنی مذهب در افغانستان است. این اختلاف نظر ایدئولوژیک و رقابت سیاسی، در حوزه‌های مختلف به‌ویژه منابع آبی نمایان است. آب برای زندگی انسان‌ها ضروری است، و کمبود آب به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان، از مهم‌ترین مسائل و مشکلات جوامع است.

براساس پیش‌بینی‌هایی برای سال ۲۰۳۰، حدود ۴۷ درصد از جمعیت جهان، در مناطقی با کمبود شدید آب زندگی خواهند کرد. از طرفی از نظر میزان سرانه آب در خاورمیانه، ایران در وضعیت بحرانی قرار دارد و این واقعیت، ضرورت مدیریت و کنترل این حوضه را نشان می‌دهد. ایران در چهارسوی خود، دارای حوضه‌های آبریز مشترک مهمی مانند اروندرود، هیرمند، هریرود، اترک و ارس با کشورهای عراق، افغانستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان است؛ اما کمبود آب بر روابط سیاسی این کشورها سایه افکنده و برخی اختلافات را سبب شده است. در این بین، «بخش آب افغانستان به‌ویژه در حوزه آبراه‌های بین‌المللی دارای چالش‌های عظیم و مجموعه پیچیده‌ای از مشکلات مرتبط با وضعیت امنیتی ناپایدار با کشورهای همسایه همچون ایران است» (Ahmadzai & McKinna, 2018: 438) که ممکن است منجر به درگیری شود. از این رو، مدیریت اختلافات در حوزه آبراه‌های بین‌المللی اهمیت دارد.

«اختلافات بین ایران و افغانستان در مورد تقسیم آب رودخانه هیرمند از قرن نوزدهم وجود دارد، اما امروزه مشکل مدیریت آب فرامرزی در دیگر منبع آب مشترک در حوضه هریرود نیز وجود دارد. در این زمینه، دو کشور سیاست‌های متنوع و گاه متناقضی در پیش گرفته‌اند» (Kaura, 2020: 23) که در برخی موارد در تعارض با منافع یکدیگر بوده است. در سال ۱۳۹۵، افغانستان به‌عنوان کشور بالادست، رسماً بند دوستی را در بالادست این رودخانه افتتاح کرد (Nagheeb et al, 2019: 249). گفته می‌شود که این سد «۷۳ درصد جریان آب رودخانه را به ایران و ترکمنستان کاهش می‌دهد» (Peterson, 2013: 30). با این حال، ایران و ترکمنستان نیز

پیش‌تر یک سد مشترک به نام سد دوستی ساخته بودند. این ساخت‌وسازهای یک‌طرفه و دوجانبه سد در حوضه هریرود، بدون هیچ‌گونه همکاری سه‌جانبه بین افغانستان، ایران و ترکمنستان، منبع اختلافات بین طرفین بوده است. از این رو، ضرورت دیپلماسی آب جهت دسترسی به منابع آبی و متناسب با نیازهای جامعه اهمیت بسیاری دارد، چراکه می‌تواند ضمن تعامل و تبادل اطلاعات، از بروز تنش‌ها و درگیری‌ها جلوگیری کند، و توسعه پایدار منابع آبی را ممکن سازد.

برخلاف پژوهش‌های پیشین همچون «تأثیر اختلافات آب هیرمند بر روابط دوجانبه ایران و افغانستان» از اسلام ۱ (۲۰۱۱)؛ «پیگیری سیاست خارجی ایران برای حقوق آب هریرود با مقامات افغانستان» از عراقچی (۲۰۱۶)؛ «قانونی بودن توسعه سد در مسیرهای بین‌المللی آب: مطالعه موردی حوضه هریرود» از نقیبی و همکاران (۲۰۱۹)؛ «مروری بر دینامیک هیدرو-هژمونیک در حوضه رودخانه فرامرزی هریرود» از لودین ۲ و وارنر (۲۰۲۲)؛ «شناسایی عوامل مؤثر و اهمیت حوزه آبخیز هریرود در افغانستان و تأثیر آن بر ایران» از مظلوم یار و همکاران (۲۰۲۳)؛ «حکمرانی پایدار منابع آب مشترک مرزی با بهره‌گیری از نظریه انتخاب اجتماعی (مطالعه موردی حوضه رودخانه هریرود)» از جعفری و همکاران (۱۴۰۰)؛ «شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان در حوضه هریرود» از متقی و همکاران (۱۳۹۷) و غیره؛ این پژوهش نقش دیپلماسی آب در حل اختلافات آب ایران و افغانستان در حوزه هریرود را تحلیل می‌کند. تحلیل استفاده‌شده می‌تواند برای حوزه‌های مشابه مانند هیرمند و سد ایلینو نیز مورد استفاده قرار گیرد. در این راستا، این پژوهش علاوه بر کشف ریشه اختلافات موجود، به نقش دیپلماسی آب و چگونگی تأثیرگذاری آن بر حل این اختلافات با رویکردی متفاوت می‌پردازد. چراکه در کنار مسیرهای رسمی و قانونی، مسیرهای غیررسمی که در مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی به آن توجه نمی‌شود، راهی برای گذار از بحران و اختلافات بین دو کشور معرفی شده است. همچنین با توجه به سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران در مورد منابع آب مصوب مورخ ۱۳۷۷/۱۰/۲۳ که در تاریخ ۱۳۷۹/۱۱/۳ توسط مقام معظم رهبری تأیید و طی شماره ۷۶۲۳۰/۱ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۳ ابلاغ گردید، استفاده از منابع آب‌های مشترک باید در اولویت سیاست‌ها قرار گیرد. با توجه به مسیرهای رسمی و غیررسمی دیپلماسی آب، روش اصلی پژوهش، کیفی و گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. بدین صورت که با توجه به رویکرد دیپلماسی آب، اطلاعات مرتبط با کنش‌های

1. Islam
2. Loodin & Warner

سیاسی ایران و افغانستان در حوضه هریرود جمع آوری شده و تحلیل گردیدند. پرسش محوری این است که مسیرهای رسمی و غیررسمی دپلماسی آب چگونه می‌توانند روابط آبی ایران و افغانستان در حوضه هریرود را بهبود دهند و اختلافات موجود را حل نمایند؟

چارچوب نظری: دپلماسی آب (مسیرهای رسمی و غیررسمی)

آب بخش جدایی‌ناپذیر زندگی انسان‌ها است و دامنه تأثیر آن از نیازهای فردی تا فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گذر کرده و به‌عنوان یک نیاز همیشگی مطرح است (عراقچی، ۱۳۹۳: ۹۲). امروزه آب به‌عنوان یک موضوع ژئوپلیتیکی بر روابط کشورها به‌ویژه کشورهای دارای آب‌های مرزی مشترک تأثیرگذار است. به‌ویژه که یکی از چالش‌های اساسی قرن ۲۱ ام، تقسیم منابع آب بین‌المللی است. جنبه مهم این چالش، چگونگی حل اختلافات و ارائه راه‌حل پایدار است. مطالعات میان‌رشته‌ای قابل توجهی در حوزه هیدروپلیتیک برای کشف تعاملات سیاسی بین کشورهای دارای آب‌های فرامرزی و بررسی نقش قدرت، گفتمان‌ها و استراتژی‌ها در شکل‌گیری فعل و انفعالات آب فرامرزی و رفتار آن‌ها و همچنین ارائه راه‌حل‌های بالقوه در حوضه‌های مختلف آبی انجام شده است (Hussein, 2016; Warner et al, 2017; Hanna & Allouche, 2018). این نویسندگان بر نقش دپلماسی آب به‌عنوان یکی از موضوعات موردعلاقه در محافل سیاسی مربوط به همکاری در مورد آب‌های مشترک تأکید کرده‌اند.

این ابزار می‌تواند توسط دیپلمات‌ها برای مذاکره در مورد توافق‌ها و متغیرهایی که می‌توانند درگیری‌های آبی را تشدید یا به حداقل برسانند، استفاده شود (Gleick, 1993; Elhance, 1999; Wolf, 2007; Zeitoun et al, 2019). درحالی که مفهوم دپلماسی آب برای چندین دهه وجود داشته (Vlachos, 1996: 7)، مطالعات اخیر روش‌هایی را معرفی کرده‌اند که چنین پروسه‌های دیپلماتیک می‌توانند به موضوعات گسترده‌تری مانند امنیت منطقه‌ای، صلح‌سازی، ادغام منطقه‌ای و تجارت منجر شوند (Molnar et al, 2017: Grech-). برخی استدلال می‌کنند آب به‌عنوان یک خدمت عمومی باعث افزایش پاسخگویی دولت‌ها می‌شود (Simoes, 2017: 273) یا می‌تواند منبع جنگ‌های آینده باشد (سینایی، ۱۳۹۰: ۱۹۳). بنابراین دولت‌ها باید سیاست‌های مربوط به آب را مطابق با معاهدات طراحی کنند، زیرا عدم اهمیت دادن به آن، باعث افزایش هزینه‌های آب در درازمدت می‌شود (Bisht, 2019: 1127). به‌منظور شناخت وضعیت موجود و یافتن راه‌حل‌های بحران آب،

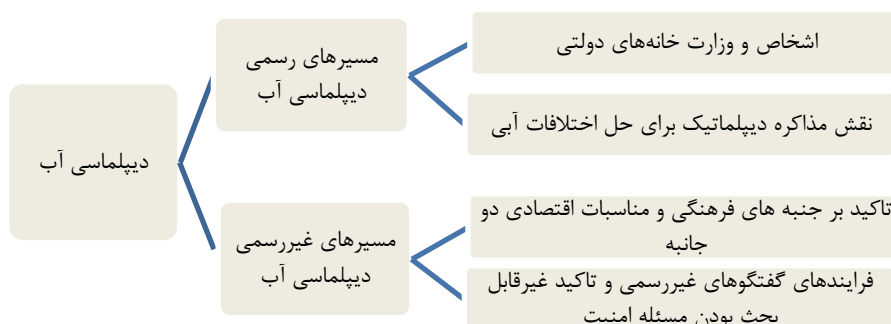
دیپلماسی آب (هیدروپلیتیک) به عنوان یک دانش جوان وارد مطالعات دانشگاهی شده و به دنبال سیاست خارجی فعال، پویا و متناسب با شرایط جدید است.

دیپلماسی آب، توانایی کشورهای ذی‌نفع در مدیریت آب‌های مشترک است تا وضعیت پایدار سیاسی حاصل شود؛ یعنی منابع آب مرزی و بین‌المللی بدون هیچ‌گونه تنش بین طرف‌های صاحب حق آب، به شکل پایدار استفاده شود (پاپلی یزدی و وثوقی، ۱۳۹۰: ۷)، و به عنوان وسیله‌ای برای جلوگیری از درگیری و تقویت صلح از طریق مدیریت مشارکتی منابع آبی مشترک عمل نماید (Mirumachi, 2020: 85). دیپلماسی آب بر چندین بازیگر اعم از دولتی و غیردولتی و گفتمان‌های متعدد درباره تخصیص آب و دسترسی به آن تأکید دارد (Warner, 2012: 234). اسلام و ساسکیند (۲۰۱۲) بیان کردند که دیپلماسی مؤثر آب وضعیتی را با منافع رقابتی حل می‌کند که از رویکردهای حاصل جمع صفر به جمع مثبت منتهی می‌شود. توجه بیشتر به دیپلماسی آب از سوی متخصصان حوزه سیاست خارجی و امنیت بوده و از طریق فرایندهای گفتگوی غیررسمی به بازیگران غیردولتی نیز گسترش یافته است. با توجه به اهمیت منابع مشترک آبی، دیپلماسی آب به عنوان بخشی از رویکردهای پیشگیری از درگیری در شرایط کمبود آب، به گونه‌ای که صلح و امنیت تهدید نگردد، مورد توجه است. در این مسیر، استفاده از هر دو مسیر رسمی و غیررسمی دیپلماسی آب، مشارکت طیف وسیعی از ذینفعان و تصمیم‌گیری مشورتی را امکان‌پذیر می‌کند (Mirumachi, 2020: 86). استفاده از مسیرهای غیررسمی دیپلماسی آب دارای اهمیت است، به ویژه در زمانی که دیپلماسی رسمی در بن‌بست قرار دارد و بی‌اعتمادی بین کشورها حاکم است (Barua & Vij, 2018: 1029).

دیپلماسی آب برای تقویت همکاری‌ها به روند سیاست خارجی نیاز دارد. سیاست‌گذاران خارجی می‌توانند از نفوذ خود برای پرداختن به موضوعات سیاسی استفاده کنند که کارشناسان فنی نمی‌توانند این کار را انجام دهند. تلاش‌های دیپلماتیک مربوط به بازیگران رسمی دولت است، خواه از سوی وزارت خارجه یا از سوی سازمان‌های مرتبط با مدیریت آب دنبال شود. این امر مستلزم حاکمیت چندسطحی و درگیر شدن شبکه گسترده‌ای از بازیگران است (Wilder et al, 2019: Koff et al, 2020). با این حال، دیپلماسی آب مورد انتقاد قرار گرفته است. به این دلیل که مسیرهای رسمی و مبتنی بر گفت‌وگو به صورت روشن برای حل منازعات

کافی نیست (Klimes et al, 2019)، و زمینه‌های پیچیده اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را در نظر نمی‌گیرد (Islam & Susskind, 2012). از این رو، نیاز به تقویت همکاری‌ها و کاهش منازعات از طریق سیاست خارجی است. به‌طور خاص، سیاست‌گذاران حوزه خارجی می‌توانند از نفوذ خود برای رسیدگی به مسائل استفاده کنند. مسیرهای غیررسمی دیپلماسی آب، نمایندگان رسمی دولت‌ها را درگیر نمی‌کند. بلکه در این مسیر، جامعه مدنی، اندیشکده‌ها و مؤسسات جهانی آب با تمرکز بر ذینفعان حوضه آب می‌توانند تأثیرگذار باشند. علاوه بر این، تکیه بر مسائل فرهنگی، مبادلات اقتصادی و مسائل اجتماعی می‌توانند بر حل اختلافات کمک نمایند (Yasuda et al, 2018). دیپلماسی غیررسمی همچنین می‌تواند امکان استفاده از قدرت را برای کشور پایین دست فراهم آورد (Mirumachi, 2020: 87). داشتن گزینه‌های غیررسمی با بازیگران گوناگون، امکانات جدیدی برای پیاده‌سازی راه‌کارها و رویکردهایی ارائه می‌دهد که ظرفیت و بهره‌وری بیشتری داشته باشند (Mirumachi, 2020: 87). بنابراین دیپلماسی آب علاوه بر متخصصان دیپلماسی و امنیت خارجی، از طریق مسیرهای غیررسمی نیز دنبال می‌شود. از این رو در این پژوهش مدل نظری مبتنی بر مسیرهای رسمی و غیررسمی دیپلماسی آب استفاده شد. چراکه درک چالش‌های ژئوپلیتیکی، تنش‌ها، اعتقادات و تفسیرهای تاریخی طرف‌های درگیر، که رابطه متقابل با فعل و انفعالات آب فرامرزی دارند، ضروری است از طریق مسیرهای رسمی و غیررسمی دنبال شود.

این پژوهش با مطالعه و تحلیل روابط ایران و افغانستان در حوزه هریرود؛ امکان استفاده از دیپلماسی آب به‌صورت رسمی و غیررسمی از سوی سیاست‌گذاران و کارشناسان امور خارجه را جهت مدیریت آب و تأمین امنیت آن در برابر توسعه سدسازی توسط افغان‌ها فراهم می‌نماید. دیپلماسی آب به‌ویژه دولت‌های پایین دست همچون ایران را که معمولاً تخصیص آب کمتری دارد، قادر می‌سازد تا در تعیین دستور کارها؛ قدرت و امکان مذاکره بیشتری داشته باشند. استفاده از این رویکرد به ریشه‌یابی نقش دیپلماسی آب کمک می‌نماید، و می‌تواند تبیین‌کننده تحلیل روابط ایران و افغانستان در حوضه هریرود در راستای مدیریت بهینه آب باشد، و به سیاست اولویت استفاده از منابع آب‌های مشترک که در سیاست‌های کلی نظام در مورد منابع آب ابلاغ گردید، کمک کند.



شکل ۱: مدل نظری پژوهش

## ژئوپلیتیک آب‌های فرامرزی ایران و افغانستان

ایران و افغانستان از نظر تاریخی با حوزه وسیع تری از تمدن فارس گره خورده‌اند. نزدیکی جغرافیایی، اشتراک عمیق تاریخی، اجتماعی- فرهنگی و اقوام، میان دو کشور وجود دارد. الگوی تاریخی مهاجرت، مناسبات تجاری، وابستگی متقابل جوامع، شبکه‌های فرامرزی و حرکات جمعیتی مکرر آن‌ها فراتر از منافع ملی اهمیت داشته باین حال، همواره تلاش‌های افغانستان برای کنترل بر آب‌های رودخانه هیرمند و هریرود به منظور حمایت از بازسازی و توسعه پس از جنگ و سدسازی‌های گسترده، برای ایران نگرانی‌هایی به همراه دارد. دولت ایران فعالیت‌های مرتبط با کشاورزی و سدسازی‌های افغانستان را تهدیدی برای امنیت آب در استان‌های شرقی و شمال شرقی خود می‌داند. با وجود این ابتکارات برای همکاری موفقیت آمیز نبوده است. عدم تمایل افغانستان به شرکت در مذاکرات مربوط به آب، حل اختلافات آبی را بیش از پیش پیچیده کرده است. این در حالی است که بحران‌های روزافزون (طبیعی و غیرطبیعی) و مدیریت ناصحیح آن‌ها، به ویژه در مورد زیرساخت‌های منطقه‌ای و در زمینه‌های مختلف دفاع، صنعت، انرژی، اقتصاد، بهداشت، اطلاعات، ارتباطات، امنیت و غیره بر اهمیت تجزیه و تحلیل مکانی زیرساخت‌های کشور به ویژه در حوزه مدیریت آب افزوده‌اند (Heydari & Gholizadeh, 2020: 36) و مسائل مورد اختلاف آبی همچنان به قوت خود باقی هستند و در پاره‌ای از موارد حتی به تنش‌های بیشتر منجر شده‌اند (Hanasz, 2012: 5). از آنجا که جریان پایدار و تقاضای آینده در هریرود مشخص نیست، اما تقاضای آب در استان هرات و در مرز ایران در حال افزایش است، توجه به اختلاف ضرورت دارد. سابقه اختلاف ایران و افغانستان بر سر هریرود کمتر از هیرمند نیست (سینایی، ۱۳۹۰: ۲۰۴)، اما تاکنون با وجود خطرات و تأثیرات امنیتی عدم همکاری، شاهد توافقی پایدار و رژیم حقوقی معین در زمینه بهره‌برداری از آب این رودخانه نبوده‌ایم.

موقعیت‌شناسی و جایگاه حوضه هریرود و اثرات احداث بند دوستی حوضه هریرود از رودخانه‌های هریرود و مرغاب تغذیه شده، و با گذر از دامنه‌های غربی رشته کوه بابا در ولایت بامیان افغانستان، به ایران و سپس به ترکمنستان سرازیر می‌شود. حدود ۱,۳ میلیون افغان در حوضه هریرود زندگی می‌کنند. ایرانیان بیشتری تقریباً سه برابر (۳,۴ میلیون نفر)، از جمله ساکنان مشهد به آب آن نیاز دارند. خراسان رضوی از ۵۳۱ کیلومتری شمال و شمال شرقی، با جمهوری ترکمنستان و ۳۰۲ کیلومتر از شرق با افغانستان هم‌مرز است (Rabiei-Dastjerdi et al, 2021). طبق سرشماری سال ۱۳۹۵، جمعیت این استان بیش از ۶,۴۳۴,۵۰۱ نفر است (Khorasan Razavi Governorate, 2019). این استان با توجه به گستردگی جغرافیایی از اهمیت استراتژیک دفاعی و مرزی برخوردار است. وجود حرم امام رضا (ع) در مرکز این استان بر اهمیت موقعیت زیرساخت‌های منطقه‌ای افزوده است (Heydari & Gholizadeh, 2020; Koomen et al, 2011). اگرچه این استان قطب مرکزیت تجاری، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی در شمال شرقی ایران است، اما از توزیع نامنظم زیرساخت‌ها نسبت به جمعیت و واحدهای اسکان رنج می‌برد و دارای ایراداتی است (Rabiei-Dastjerdi et al, 2021). در ادامه، نقشه جغرافیایی حوضه هریرود ارائه شده است:



شکل ۲: نقشه جغرافیایی حوضه هریرود



هریرود از دیدگاه اقتصادی-اجتماعی برای ایران و افغانستان اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. حدود ۵۰ درصد از تولید ناخالص داخلی ۱ در حوضه مستقیماً با بخش کشاورزی (به‌ویژه در افغانستان) مرتبط است، و کمک زیادی به تضمین امنیت غذا و آب آشامیدنی، به‌ویژه در هرات و مشهد می‌کند. این امر به تأمین بیش از ۵۰ درصد کل آب موردنیاز داخلی مشهد کمک می‌کند. جمعیت افغانستان نیز بسیار وابسته به این منبع آب مشترک است (Nagheby et al, 2019: 251). بنابراین، منابع آبی هریرود نقشی استراتژیک در ایجاد امنیت و درآمد برای مردم این مناطق دارد. جدول ۱، جمعیت حوزه هریرود در ایران و افغانستان را نشان داده است:

جدول ۱: جمعیت حوزه هریرود: ایران و افغانستان

| کشورها    | منطقه در کشور | اشتراک کشورها | کل جمعیت  | تراکم جمعیت (افراد/ کیلومتر مربع) |
|-----------|---------------|---------------|-----------|-----------------------------------|
| افغانستان | ۳۹۳۰۰         | ۳۹/۵          | ۱,۲۹۰,۰۰۰ | ۳۲                                |
| ایران     | ۴۹۲۶۴         | ۴۳/۷          | ۳,۴۱۰,۰۰۰ | ۶۹                                |

منبع: (Nagheby et al, 2019: 249)

از اقدامات بحث‌برانگیز افغانستان، احداث بند دوستی با کمک هند در این حوزه بوده که تأثیر منفی بر حقوق بشر و ساکنان این مناطق گذاشته (Sands et al, 2018: 77-78)، و منجر به جابجایی گروه‌های خاص (اغلب آسیب‌پذیر) شده، و حقوق آب بومیان را به خطر انداخته است (Finn & Jackson, 2011: 1235). در حالی که متناسب با نیازهای واقعی سایر کشورها، باید به حق آبه احترام گذاشته شود (Bulto, 2014: 194). طبق مواد ۱۱ و ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶۲ حق آبه از نظر قانونی لازم‌الاجراست، و احداث سد باید تأمین‌کننده منافع کشورهای بالا و پایین دست باشد. در این زمینه اصول مشروعیت ساخت سد در مسیر آب بین‌المللی همچون کنوانسیون منابع آب سازمان ملل ۱۹۹۷؛ اصل حق حاکمیت استفاده از منابع طبیعی؛ اصل استفاده عادلانه و منطقی؛ اصل عدم آسیب همچون ماده ۷ کنوانسیون منابع آب سازمان ملل که بر عدم ایجاد آسیب کشورهای حوزه آبراهه به سایر کشورهای حوزه آب؛ تعهد همکاری مطابق با ماده ۹ کنوانسیون منابع آب سازمان ملل و سایر اسناد بین‌المللی باید مدنظر

1. GDP
2. ICESCR

باشد. در حالی که بر طبق نتایج بسیاری از پژوهش‌ها (متقی و همکاران، ۱۳۹۷؛ سینایی و جمالی، ۱۳۹۷؛ Peterson, 2013; Loodin & Warner, 2022)؛ احداث بند دوستی و کاهش جریان آب به ایران به وخامت روابط ایران و افغانستان منجر شده، و راهبردهای متفاوت دو کشور را به دنبال داشته است.

#### راهبرد افغانستان در حوزه هریرود

کشور افغانستان در راستای بازسازی و بهبود زیرساخت‌ها، برنامه‌هایی برای توسعه قابل توجه زیرساخت‌های آب و احداث سد در رودخانه‌های فرامرزی خود برای بهره‌برداری کامل از آبیاری و پتانسیل برق آبی آن‌ها تدوین کرده است (King & Sturtewagen, 2010: 2). بحث برانگیزترین پروژه در این حوزه، احداث بند دوستی افغانستان و هند (بند سلما سابق) است. این سد اولین بار در سال ۱۹۷۶ راه‌اندازی شد، اما به دلیل جنگ ساخت آن متوقف شد (Ahlers et al, 2014: 53). از آنجا که این پروژه توسط دولت هند تأمین و ساخته شد، افغانستان در اقدامی تشکرآمیز برای تقویت روابط، بند سلما را به بند دوستی افغانستان و هند تغییر نام داد (Institute for War & Peace Reporting, 2016: 6 June). گزارش‌های امکان‌سنجی برای احداث سد در منطقه چشت شریف در سال ۱۹۵۷ تهیه شد. در سال ۱۹۷۶، یک شرکت افغان وظیفه ساخت سد را بر عهده گرفت. این شرکت یک شرکت متعلق به وزارت منابع آب هند با عنوان خدمات آب و برق مشاوره (هند) با مسئولیت محدود<sup>۱</sup> را برای ساخت سد منصوب کرد. با حمله سال ۱۹۷۹ شوروی به افغانستان، کار انجام این پروژه مدت زمانی متوقف شد (Devirupa, 2016: 4 June). شرکت خدمات آب و برق مشاوره تلاش کرد تا در سال ۱۹۸۸ عملیات ساخت سد را ادامه دهد، اما به دلیل ادامه بی‌ثباتی، این پروژه ناقص ماند. در سال ۲۰۰۶، هند متعهد شد که بودجه تکمیل این بند (Christian Science Monitor, 2020: 16) را با هزینه تقریبی ۲۷۵ میلیون دلار تأمین کند. در ژانویه ۲۰۱۳، هند هزینه اصلاح شده ۲۷۳/۳ میلیون دلار را برای اتمام پروژه تصویب کرد و اعلام کرد که این پروژه در دسامبر ۲۰۱۴ با دو سال فاصله از برنامه قبلی به اتمام می‌رسد. این سد ۱۵ خرداد سال ۱۳۹۵ توسط نارندرا دامورداس مودی<sup>۲</sup>

1. Wapcos

2. Narendra Damodardas Modi

نخست‌وزیر هند به همراه اشرف غنی رئیس‌جمهور وقت افغانستان افتتاح شد (The Indian Express, 2016: 4) و تأثیرات بسیاری را بر پایین دست برجای گذاشت. در حالی که افغانستان به پیام‌ها یا اطلاعیه‌های کشورهای پایین دست برای همکاری پاسخی نداد. چراکه سیاست آب افغانستان (با وجود تسلط ناپایدار آن بر حوزه سیاسی) متأثر از ژئوپلیتیک این کشور است. به عنوان یک کشور بالادست، منافع کوتاه‌مدت افغانستان این است که مذاکرات در مورد حقوق آب فرامرزی هریرود را متوقف کند تا به بهره‌برداری از منبع آب بومی آن ادامه دهد (Renner, 2009: 2). حاکمان افغانستان به‌ویژه بعد از کنترل طلبان بر این کشور، می‌دانند که از طریق کنترل آب می‌توانند همسایگان خود را کنترل کنند. محصور بودن در خشکی و عدم دسترسی به آب‌های آزاد، روابط تجاری آن را مختل کرده و این کشور را از نظر جغرافیایی به کشورهای پاکستان و ایران وابسته کرده است (Saeedi, 2022: 55). بنابراین، راهبرد افغانستان متأثر از موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی آن بوده، و در نتیجه تأمین منافع آبی به عنوان یک عامل کلان بر روابط تجاری و سیاسی‌اش با همسایگان تأثیر گذاشته است.

#### راهبرد جمهوری اسلامی ایران در حوزه هریرود

در زمینه بهره‌برداری از رودخانه هریرود، اگرچه معاهده‌ای رسمی میان ایران و افغانستان در خصوص بهره‌برداری از وجود ندارد، اما طبق قرارداد ۲۴ ماده‌ای ۲۶ فوریه ۱۹۲۱ میلادی بین ایران و روسیه، دو طرف حق انتفاع مساوی را داشتند. این سهم، در قرارداد ۱۹۲۶، برای ایران ۳۰ درصد تعیین شد، اما مهر ۱۳۷۰ با توافق ایران و ترکمنستان، سهم مساوی طرفین احیا شد. با احداث سد دوستی ایران و ترکمنستان بر روی هریرود (۱۳۸۴)، آب شرب مشهد به میزان ۱۵۰ میلیون مترمکعب در سال و همچنین نیاز آبیاری ۲۵ هزار هکتار از اراضی کشاورزی دشت سرخس به این سد وابسته شد. آورده آب سد «دوستی» در سال‌های اخیر به علت خشک‌سالی و ساخت سد «سلما» در افغانستان، به ۱۴۰ میلیون مترمکعب کاهش یافت، و اختلافاتی را در روابط دو کشور شکل داد. در واقع، اختلاف تقسیم آب رودخانه‌های مشترک، از قدیمی‌ترین اختلافات دو کشور است. در این زمینه، سیاست ایران در قبال افغانستان براساس منافع ژئواستراتژیک بوده و به دنبال دستیابی به توافق‌نامه‌های رسمی و پیگیری اهداف همکاری است. در عین حال، ایران سیاست‌های اساسی و متناقض متعددی در افغانستان داشته است (Islam, 2011: 116). برخی از افغان‌ها بر این باورند که سیاستمداران ایران تلاش کردند تا ساخت سد سلما را متوقف کنند. به گفته پلیس محلی

افغانستان، دولت ایران برای مخالفت با ساخت بند، منابع مالی بسیاری تأمین نمود. در سال ۲۰۰۹، نجیب‌الله کابلی<sup>۱</sup>، نماینده مجلس استان کابل، ایران را به مداخله در ساخت سد سلما متهم کرد (Institute for War & Peace Reporting, 2016: 6). گزارش‌هایی مبنی بر ایجاد اخلال در پروژه‌های بازسازی در بخش آب وجود دارد (Houk, 2011: 56). هنگامی که عبدالقودوس قیام<sup>۲</sup>، والی منطقه چِشتِ شریف، در اواسط ژانویه ۲۰۱۰ به همراه ۵ مقام امنیتی کشته شد، با این که طالبان مسئولیت را پذیرفتند، اما بسیاری در هرات این مسئولیت را بخشی از مشکل گسترده‌تری دانستند که این استان با ایران دارد (Pajhwok Afghan New, 2013: 1). بنابراین با وجود اهمیت هریرود به عنوان یک منبع آبی مهم، از نظر امنیت مرزی و تبادلات اقتصادی با افغانستان، ایران سیاست درستی دنبال نکرده و راهبردش در نگرش طرف مقابل به صورت تخریبی بوده و با واکنش منفی کشور بالادستی و مقامات آن مواجه شده است، با وجود چنین نگرشی، در مجموع شاهد اقدامات گسترده و ویژه‌ای از سوی مقامات ایران در زمینه حل اختلاف آبی حوضه هریرود نبوده‌ایم.

#### دپلماسی هیدرو ژئوپلیتیک، راهبردی در جهت حل اختلافات آبی

بیان شد که توسعه برداشت آبی توسط افغانستان بر تأمین آب در ایران تأثیر منفی گذاشته، و تنش‌هایی را شکل داده است. با این حال، همچنان توافق فعالی بین ایران و افغانستان در زمینه مدیریت منابع مشترک آب در حوزه هریرود وجود ندارد (Hanasz, 2012: 1). با توجه به وضعیت ناپایدار امنیتی در مناطق مرزی، اختلاف در مورد آب باید به صورت دپلماتیک حل شود. حل اختلافات آبی در حوضه هریرود باید اولویت ایران و افغانستان باشد، هر چند افغانستان همواره از مذاکره با ایران سر باز زده و به عنوان یک کشور بالادست در میانه بازسازی و توسعه پس از جنگ، انگیزه کمی برای شرکت در مذاکراتی دارد که ممکن است دسترسی آن به منابع آبی را محدود کند (Dehgan et al, 2014: 317). مقامات افغان عدم تمایل به گفتگو در مورد آب مشترک را ناشی از کمبود داده‌ها و سوابق آب‌های سطحی افغانستان درباره تقاضا و استفاده از آب می‌دانند. به این مسئله باید مشکل تخصص فنی و دپلماتیک محدود را اضافه نمود، به عبارتی آن‌ها می‌ترسند دست افغانستان در میز مذاکره ضعیف باشد. با این حال، نظر به پیامدهای درگیری

1 Najibullah Kabuli

2 Abdulqudus Qayam

آب در منطقه‌ای که درگیر بی‌ثباتی، ناآرامی و برخوردهای مسلحانه است، افغانستان نمی‌تواند برای همیشه پشت این بهانه پنهان شود. لذا بر ایجاد ظرفیت و تخصص افغانستان در زمینه مسائل مربوط به آب تأکید شده است (Ramachandran, 2016: 30). اولین قدم برای ایران باز کردن پای امارت اسلامی به مذاکرات دوجانبه است تا تفاهم‌نامه‌ها و توافق‌نامه‌های مشترک را امضا کنند. زبان دیپلماسی این اقدام را عملی و قابل اجرا می‌کند.

البته دولت افغانستان منفعل عمل نکرده و به دنبال تکمیل پروژه‌های هیدرولیکی مانند سد دوستی در برابر زیرساخت‌های ایجاد شده توسط کشورهای پایین دست، به دنبال بهبود موقعیت چانه‌زنی در مذاکرات آینده است (Warner & Thomas, 2015: 596). تا در موقعیت و جایگاه بهتری به توافق تن دهد. برخلاف افغانستان، دولت ایران و مقامات ارشد حوزه سیاست خارجی و مسائل آبی مایل‌اند علاوه بر آمادگی برای انجام مذاکرات دوجانبه در زمینه آب، از افغانستان در جهت تقویت ظرفیت‌های خود در بخش‌های آب و کشاورزی، به‌ویژه در مورد بهره‌وری آب، حمایت کنند. ایران به ایجاد یک موسسه تحقیقاتی در وزارت انرژی و آب افغانستان برای افزایش داده‌های منطقه‌ای و به اشتراک گذاری اطلاعات کمک کرده است (King & Sturtewagen, 2010: 5). علاوه بر پیشنهاد سیاسی سال ۱۹۷۵ ایران و روسیه به دولت افغانستان مبنی بر مذاکره، دو بار هم نامه‌های رسمی (سال ۲۰۰۶ و سال ۲۰۱۰) به رئیس‌جمهور کرزی ارسال و بر لزوم همکاری‌ها در مدیریت منابع آبی حوزه هریرود تأکید شد. اما این نامه‌ها هیچ پاسخی دریافت نکردند همان‌طور که محمود صیقل (نماینده دائمی افغانستان در سازمان ملل) در یادداشتی در یکی از برنامه‌های تلویزیونی افغانستان اشاره کرد، «ما (افغانستان) نامه‌ای از ایران و ترکمنستان در سال ۲۰۰۶ دریافت کردیم که درخواست همکاری در مورد رودخانه هریرود را داشتیم، اما ما (افغانستان) پاسخ دادیم [...] که نمی‌خواهیم در مورد آب‌های خود صحبت کنیم (Tolo News, 26 August 2013). فضل احمد ذاکری (سرپرست سابق حوضه رودخانه هریرود-مرغاب وزارت انرژی و آب در هرات) نیز اظهار داشت: «بله، ایرانی‌ها خواهان مذاکره هستند. همیشه آن‌ها خواهان مذاکره هستند [زیرا آب بیشتری دریافت خواهند کرد] (Peterson, 2013: 30). پیام «نیازی به مذاکره در مورد حوزه رودخانه هریرود نیست»، تاکنون ادامه داشته است.

حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق ایران، ابراز نگرانی کرده بود که ایران نمی‌تواند در مورد محیط منطقه و تأثیرات منفی ناشی از توسعه سد در افغانستان ساکت باشد (Nagheeb & Warner, 2018: 853). برای این منظور، یک دور مذاکره بین ایران و افغانستان، در مورد یک مشارکت استراتژیک جامع در مورد موضوعات مختلف و مهم از جمله امنیت و آب شکل گرفت. این مذاکرات در سال‌های ۱۳۹۶ در تهران و کابل برگزار شد. با این حال، پیشرفت قابل توجهی درباره اختلافات آبی حاصل نگردید. افغان‌ها ترجیح می‌دهند مذاکرات را حداقل پس از اتمام پروژه‌های کنترل آب خود به تعویق بیندازند. این نظر را ضیایی (معاون سابق وزیر انرژی و آب در کابل) اظهار داشت: «شاید [ایران و ترکمنستان] لازم است با ما صحبت کنند، اما ما نیازی به گفتگو با آن‌ها و مذاکره در مورد آب نمی‌بینیم» (Peterson, 2013: 30). با این حال، ایران موضعی عملکردگرایانه اتخاذ کرده و از این طریق می‌خواهد منافع آن‌ها را در برابر متغیرهای پیچیده ژئوپلیتیکی برآورده کند. از آنجاکه ایران برای مصارف خانگی و کشاورزی خود به آب‌های فرامرزی مشترک (همچون هریرود) وابسته است، مقامات ایرانی این مسئله را به‌عنوان یک موضوع امنیتی انسانی می‌دانند. ترس ناشی از بهره‌برداری بیش‌ازحد و کاهش منابع آبی، بحث‌های گسترده‌ای را در رسانه‌های عمومی ایجاد کرده است، عناوینی مانند «افغان‌ها مشهد را خشک می‌کنند»، «ناامنی از پروژه‌های سدسازی افغانستان» و «چرا سد در افغانستان ممکن است صلح را از بین ببرد» (Peterson, 2013: 30) مکرر دیده می‌شوند. این نگرانی‌ها ممکن است ناشی از عدم مذاکره شفاف بین دو کشور و ماهیت پیچیده سیاسی منطقه باشد که تحت تأثیر بی‌ثباتی افغانستان بوده است. در هر صورت، ایران با استناد به توافق‌نامه موجود در زمینه استفاده از آب (که منجر به احداث سد دوستی در سال ۱۳۸۴ شد) و «تأکید بر اصول صحیح امنیت انسانی، عادلانه بر حق فعلی و تاریخی» خود در مورد آب و استفاده منطقی و بدون ضرر قابل توجهی اصرار دارد. از دیدگاه افغانستان، آب منبع اصلی استراتژیک برای توسعه در سیاست‌های کشور و به‌نوبه خود، توسعه آب یکی از مهم‌ترین مسائل امنیتی به‌ویژه در فضای سیاسی آسیب‌پذیر آن است. همچنین توسعه آب، سیاستی اساسی برای کاهش شرایط آسیب‌پذیر اجتماعی-اقتصادی تلقی می‌شود (Joya, 2012: 17). اما نیازهای اقتصادی-اجتماعی کشورهای پایین‌دست نیز وابستگی زیادی به این آب مشترک دارد. چراکه نادیده گرفتن منافع کشورهای پایین‌دست ممکن است

رقابت‌های منطقه‌ای را افزایش دهد. این دوگانگی ممکن است منجر به عدم توزیع متناسب منافع در استفاده از یک منبع مشترک شود (McIntyre, 2016: 97).

در موضوع هریرود، با به‌کارگیری دیپلماسی رسمی دستاوردی عاید نشده است. بلکه در مقابل افغانستان اقدام به احداث بند دوستی و کاهش میزان آب ورودی به مناطق شمال شرقی ایران همچون مشهد و سرخس نموده که زمینه تنش در محدوده آب‌های مرزی شده است. بنابراین، ضمن تقویت روابط سیاسی و در جهت توافقی عادلانه، باید به راهبردهای غیررسمی نیز توجه شود. در واقع تأکید بر «حسن نیت و همکاری»، «آسیب غیرقابل توجه»، «حفاظت از محیط‌زیست» و «تبادل اطلاعات» هرچند در برخی موارد منجر به عدم مناقشه بین ایران و همسایگانی مانند ترکمنستان و ارمنستان شده (Yeganeh & Bakhshandeh, 2022)، اما صرف تأکید بر مسیرهای رسمی نمی‌تواند راه‌حلی قوی برای حل مسائل آبی مشترک باشد. در این بین، تعاملات فرهنگی میان ایران و افغانستان و یا به‌عبارت‌دیگر، مسائل و عوامل فرهنگی می‌تواند قابل‌بررسی باشد و به ایجاد مذاکرات آبی کمک نماید. به‌ویژه که دو کشور همیشه دارای روابط حسنه بوده و از علقه‌ها و پیوندهای عمیق تاریخی، فرهنگی و مذهبی برخوردار می‌باشند (احمدی و اسماعیل پورروشن، ۱۴۰۰: ۱۰۱۰). بنابراین مسیرهای رسمی و غیررسمی دیپلماسی آب که شامل اقدامات پیشگیرانه و واکنشی و همچنین میانجیگری و اجرای راه‌حل‌ها برای حل اختلافات می‌باشد را باید در کنار یکدیگر به کار برد. چراکه می‌تواند تأثیر چشمگیری بر امنیت مرزهای دو کشور ایفا نماید و به حل مشکلات به وجود آمده و تأمین منافع آبی کمک نماید. به‌ویژه که با حاکمیت امارت اسلامی در افغانستان، دولت این کشور اقدامات جدی را جهت مهار آب‌های مرزی خود پیگیری نموده است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۷). چنان‌که در مسئله هیرمند زمینه‌های اختلاف و تنش تشدید گردید. از وقتی که طالبان در افغانستان بر سر کار آمد تنش‌هایی بر سر مسائل مرزی، امنیتی، مهاجرت، انرژی و به‌ویژه آب با ایران رخ داده است. در مسئله هریرود طالبان مذاکره دوجانبه و توافق را از سوی جمهوری اسلامی قبول نمی‌کند و یک نگاه یک‌سویه و کاملاً خود حق‌پندار در مورد آب‌های بالادستی به‌ویژه هریرود دارد. به عبارتی ملاحظات سیاسی و اختلافات طالبان با ایران امکان موفقیت دیپلماسی آبی بین این دو کشور را کاهش داده است. طالبان از موضوع حق آبه ایران برای انحراف افکار عمومی داخلی و خارجی که تحت فشارهای

افغان‌های مخالف طالبان هستند، بهره‌برداری سیاسی می‌کند. با این توضیحات باید گفت همراه کردن طالبان در جهت کارساز شدن فرآیندهای دیپلماسی بسیار مهم است. وقتی از تفاهم دوجانبه و حل قرارداد صحبت می‌کنیم باید سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی توانایی اقناع طرف مقابل را برای کشاندن به پای میز مذاکره و انعقاد قرارداد را داشته باشد. به‌مانند مسئله هیرمند در هریرود نیز افغانستان بدون مطالعه دقیق با ایجاد موانع در مسیر طبیعی رودخانه‌ها از جریان طبیعی حاکم جلوگیری نموده که منجر به بروز مشکلات گردیده و حبابه زیست‌محیطی در مسیر جریان را غصب نموده است. برای بازگشت به شرایط طبیعی باید افغانستان کلیه موانع را حذف نماید و انحراف مسیرها برطرف و به حالت طبیعی در آید. از این رو، توجه به حاکمیت طالبان می‌تواند به مدیریت اختلافات آبی کمک نماید.

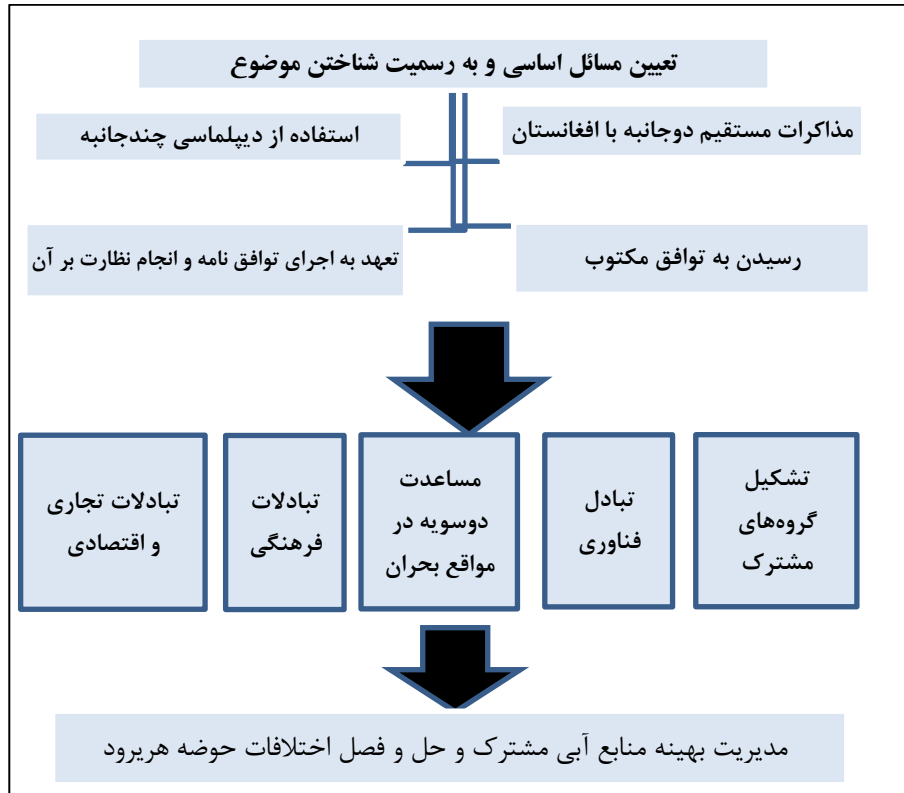
در قدم بعدی است که تأکید بر منافع و خدمات مشترک همچون افزایش صادرات متقابل، ترانزیت کالا و خدمات و صادرات برق از ایران به افغانستان، صدور طرح‌ها و فناوری آبیاری مکانیزه به افغانستان، مبادله فرآورده‌های نفتی و سایر الگوهای اقتصادی (سینایی و جمالی، ۱۳۹۷) می‌تواند منافع دو کشور در حوزه‌های مختلف را تأمین کند و با افزایش دانش به تفاهم دوجانبه در جهت حل بحران آب بیانجامد. در این مسیر، ایران می‌تواند با افزایش حجم صادرات استراتژیک به افغانستان همچون روغن، آرد، سوخت، برق، فرآورده‌های نفتی و سایر کالاها با هم آوردی در مقابل کالای استراتژیک افغانستان (آب)، آن کشور را برای همکاری و حل و فصل اختلافات آبی مجاب نماید. رشد جمعیت دو کشور و نیاز به آب در صنعت و کشاورزی، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای و تأکید بر رویکردهای واقع‌بینانه و توجه به امنیت انسانی (سینایی، ۱۳۹۰)؛ اهمیت همکاری‌ها و پروژه‌های مشترک براساس اهداف استراتژیک و نیازهای متقابل مانند مدیریت هماهنگ و یکپارچه منابع آبی مشترک را نشان می‌دهد. هریرود با جاده ابریشم باستان، یک شبکه تاریخی تجارت و انتقال فرهنگی که در تعاملات فرهنگی غرب و شرق بود، در ارتباط است (Nagheeb & Warner, 2018: 849)، از این رو پتانسیل قابل توجهی برای نفوذ سیاسی ایران برای تأثیرگذاری بر افغانستان وجود دارد.

با نگاهی به تعاملات و اختلافات تاریخی، سیاسی و اقتصادی؛ می‌توان حوضه را با عوامل اقتصادی نامتقارن و به هم وابسته در یک محیط پیچیده ژئوپلیتیک مشخص کرد. چراکه منافع، هویت‌ها و اشتراکات مشترک هنجاری، پتانسیل قابل توجهی برای غلبه بر چالش‌های ژئوپلیتیک و



حل اختلافات آبی دارد. بنابراین برای درک بهتر چشم اندازهای سیاسی، منافع، سیاست‌ها و استراتژی‌های دو طرف، مسیرهای رسمی و غیررسمی دیپلماسی آب می‌تواند ماهیت فعل و انفعالات اختلافات آبی را تبیین نماید. در این راستا باید مسائل اصلی مرتبط با حوزه هریرود مانند تقسیم آب، افزایش کیفیت آب و مسائل محیط‌زیستی از راه دیپلماسی تعیین شود. این تحلیل به تفکیک دقیق مشکلات کمک می‌کند و به دو کشور امکان می‌دهد تا بر روی مسائل اصلی تمرکز کنند. زبان دیپلماسی و توجه به فرآیندهای رسمی و غیررسمی بیان شده امکان‌هایی پیش روی ایران قرار می‌دهد تا راهی منطقی‌تر برای همکاری دوجانبه و بین‌المللی بین دو کشور برقرار کند. مشکل افغانستان نبود طرح‌های آبخیزداری و بهره‌برداری علمی از آب است. لذا در این مورد باید توافق‌نامه‌ای بین دو کشور با ضمانت اجرایی بسته شود و از دانشمندان و متخصصین ایران برای بهره‌برداری درست آب برای هر دو کشور یاری جست. برای مثال ساخت دیواره‌های نفوذناپذیر برای پرهیز از هدر رفت آب در دو طرف رودخانه؛ ساخت سیستم‌های آبیاری قطره‌ای برای کشاورزان افغانستان و کمک به بهره‌برداری بهینه آب و کشاورزی علمی برای دو کشور، امری سودمند خواهد بود.

همچنین دو کشور می‌توانند یک گروه کاری مشترک با تخصص‌های دیپلماتیک، مهندسی آب، و متخصصان محیط‌زیستی تشکیل دهند. این گروه می‌تواند به تحلیل دقیق‌تر و حل مشکلات کمک کند. مسیر دیپلماسی موجب توسعه پروژه‌های مشترک بین دو کشور می‌شود تا از این طریق مدیریت منابع آبی را توسعه دهند. این پروژه‌ها می‌توانند شامل ساخت سد، ایجاد تصفیه‌خانه‌ها، توسعه سیستم‌های آبیاری بهره‌برداری مشترک از منابع آبی باشند. هدف نهایی باید رسیدن به توافقنامه مکتوب باشد که جزئیات تقسیم منابع آبی، مدیریت مشترک منابع آبی، و مکانیزم‌های نظارت را شامل می‌شود. این توافق باید تعهدات دقیقی از هر دو کشور برای رعایت حقوق آبی را تضمین کند. همچنین هر دو کشور باید برای تعهد بیشتر نظارت مداوم بر اجرای تعهدات و راهکارهای تصمیم‌گیری برای رفع مشکلات اجرایی را داشته باشند.



شکل ۳: فرایند حل و فصل اختلافات حوزه هریرود از طریق مسیرهای دیپلماسی آب

## نتیجه گیری

مقاله حاضر به تحلیل اختلافات و چالش‌های مرتبط با منابع آبی در مناطق مشترک ایران با افغانستان پرداخته و نیاز به دیپلماسی آب برای حل اختلافات در مدیریت منابع آبی در حوزه هریرود تأکید دارد. افزایش مصرف آب و احداث بند سلما در افغانستان، منابع آبی منطقه خراسان رضوی را تحت تأثیر قرار داده و تنش‌های منطقه‌ای را ایجاد کرده است. آب هریرود، تأمین کننده بخش اعظم آب این استان است. بنابراین احداث این سد، بر بحران آب در ایران و به‌ویژه سکونتگاه‌های شمال شرق کشور تأثیرات منفی گذاشته است. از آنجایی که افغانستان در مورد تقسیم آب حق‌آبه را در نظر نگرفته، اختلافات و تنش‌هایی شکل گرفته و نقاط اصطکاک بدون همکاری هماهنگ و فعال بین دو کشور قابل حل و فصل نیست. مسیرهای رسمی و غیررسمی

دیپلماسی آب با تمرکز بر توافقات منصفانه و مدیریت مشترک منابع آبی می‌تواند به حل اختلافات و تضمین تقسیم عادلانه منابع آب منجر شود، و از این مسیر نگرانی‌های امنیتی دو کشور در مسئله آب سیر نزولی پیدا کند، و ضمن تأمین منافع طرفین به ایجاد صلح مؤثر و پایدار کمک کند. همچنین از طریق افزایش همکاری با نهادهای حوزه آب و توافق‌نامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به حل مسالمت‌آمیز اختلافات کمک گردد. عدم توجه به این مسئله، سبب تغییر اقلیم و تداوم خشک‌سالی‌ها، تغییر سبک زندگی و به تبع آن ضرورت تولید برخی محصولات کشاورزی استراتژیک و همچنین تشدید بحران هیدروپلیتیک بین ایران و افغانستان خواهد شد. برای ثبات و امنیت منطقه‌ای و حل بحران آب که سکونتگاه‌های انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، باید موضوع با حمایت از حقوق افغان‌ها و ایرانیان در چارچوب قانون و عدالت بین‌المللی آب حل گردد. دستیابی به توازن بهتر برای طرف‌ها در میز مذاکره قابل دستیابی است. مذاکرات منجر به مدیریت مشترک کل حوضه رودخانه و به‌طور بالقوه تعدیل سهم آب مصرفی جهت رسیدن به یک استفاده عادلانه و منطقی از آب می‌شود. برای ترسیم چنین مسیریابی ابتدا باید مسائل اصلی مرتبط با حوضه هریرود مانند تقسیم آب، افزایش کیفیت آب و مسائل محیط‌زیستی تعیین شود. این تحلیل به تفکیک دقیق مشکلات کمک می‌کند و به دو کشور امکان می‌دهد تا بر مسائل اصلی تمرکز کنند. در ادامه یک گروه کاری مشترک را تشکیل دهند که از تخصص‌های دیپلماتیک، مهندسی آب و متخصصان محیط‌زیستی برخوردار باشند و به تحلیل دقیق‌تر و حل مشکلات کمک کنند. در این ارتباط، از طریق مذاکرات دوجانبه مسائلی مانند تقسیم آب و اجرای توافق‌نامه‌های قبلی بررسی شوند. پس از مذاکرات مکرر و توافقات موقت، دو کشور باید در جزئیات مربوط به تقسیم و مدیریت مشترک منابع آب، و راهکارهای محیط‌زیستی به توافق نهایی دست یابند. پس از توافق، انجام تعهدات به‌صورت دقیق و مداوم اهمیت دارد. یک مکانیزم نظارت باید برای اطمینان از رعایت تعهدات دو طرف ایجاد شود. دیپلماسی چندجانبه راهی ارائه می‌دهد تا به‌منظور حل اختلافات آبی از سازمان‌ها و تشکل‌های بین‌المللی مرتبط مانند سازمان ملل متحد و کمیسیون مشترک تصمیمات مشروع آب کاربردی جهت تسهیل مذاکرات و حل اختلافات استفاده شود. حل اختلافات آبی نیاز به اراده سیاسی، دیپلماسی چند سویه و همکاری دو کشور دارد. این اقدامات باید به توازن مصالح هر دو کشور منجر شده و به‌منظور تضمین تقسیم عادلانه منابع آبی و حفظ محیط‌زیست انجام شوند. راهبردهای فوق در نهایت می‌تواند به سیاست استفاده از منابع آب‌های مشترک در چارچوب سیاست‌های کلی نظام کمک نماید.

## فهرست منابع

- احمدی، سعید؛ اسماعیل پورروشن، علی اصغر. (۱۴۰۰). تحلیل نقش هیدروپلیتیک هریرود بر چالش‌های ایران و افغانستان. *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۳ (۲): ۹۹۹-۱۰۲۴.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ وثوقی، فاطمه. (۱۳۹۰). نگاهی به دیپلماسی آب ایران هیدروژئوپلیتیک، تهران: انتشارات پاپلی.
- جعفری، حمیدرضا؛ ملک محمدی، بهرام؛ نصرآبادی، تورج؛ امینی، عبدالسلام. (۱۴۰۰). حکمرانی پایدار منابع آب مشترک مرزی با بهره‌گیری از نظریه انتخاب اجتماعی (مطالعه موردی حوضه رودخانه هریرود). *فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست*، ۲۳ (۷): ۳۰۷-۲۹۱.
- سینایی، وحید. (۱۳۹۰). هیدروپلیتیک، امنیت و توسعه همکاری آبی در روابط ایران، افغانستان و ترکمنستان. *فصلنامه روابط خارجی*، ۳ (۲): ۲۱۱-۱۸۵.
- سینایی، وحید؛ جمالی، جواد. (۱۳۹۷). دیپلماسی اقتصادی ج.ا.ایران در افغانستان و مدیریت اختلافات آبی دو کشور با کاربرد رویکرد اقتصاد نهادگرا. *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، ۸ (۲۸): ۹۳-۶۹.
- عراقچی، سیدعباس. (۱۳۹۳). دیپلماسی آب از منازعه تا همکاری. *سیاست جهانی*، ۳ (۴): ۱۱۹-۹۱.
- کریمی، سیدسلیمان؛ مهکویی، علیرضا؛ گندمکار، امیر. (۱۳۹۹). تأثیر رودخانه مرزی هریرود بر روابط هیدروپلیتیک ایران و افغانستان. *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۳ (۱): ۳۷-۱۷.
- متقی، افشین؛ کاویانی راد، مریم؛ زرقانی، سیدهادی؛ صدرانیا، حسن. (۱۳۹۷). شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر مناسبات هیدروپلیتیک ایران و افغانستان در حوضه آبریز هریرود. *دو فصلنامه مطالعات شبه‌قاره*، ۱۰ (۳۴): ۲۵۴-۲۳۵.
- Afghanistan's woeful water management delights neighbors. *Christian Science Monitor*, 2010-06-15. ISSN 0882-7729. Retrieved 2020-11-16.
- Ahlers, R., Brandimarte, L., Kleemans, I., & Hashmat Sadat, S. (2014). Ambitious Development on Fragile Foundations: Criticalities of Current Large Dam Construction in Afghanistan. *Geoforum*, 54, (14): 49-58.
- Ahmadzai, S., & McKinna, A. (2018). Afghanistan electrical energy and trans-boundary water systems analyses: Challenges and opportunities, *Energy Reports*, 4 (7): 435-469.
- At Afghan dam inauguration, PM promises: India will not forget you. *The Indian Express*, 4 June 2016. Retrieved 4 June 2016.
- Barua, A., & Vij, S. (2018). Treaties can be a non-starter: a multi-track and multilateral dialogue approach for Brahmaputra Basin. *Water Policy*, 20 (5): 1027-1041.
- Biglino, I., & Golay, C. (2013). *The Optional Protocol to the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, Academy In-Brief*. Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights.
- Bisht, M. (2019). From the edges of borders: reflections on water diplomacy in South Asia. *Water Policy*, 21 (6): 1123-1138.
- Bulto, T.S. (2014). *The Extraterritorial Application of the Human Right to Water in Africa*. Cambridge University Press.

- Dehgan, A., Palmer-Moloney, L. J. & Mirzaee, M. (2014). Water Security and Scarcity: Potential Destabilization in western Afghanistan and Iranian Sistan and Baluchestan due to Transboundary Water Conflicts. In: Weinthal, E., Troell, J. J. & Nakayama, M).
- Devirupa, M. (2016). The Amazing Indian Story Behind Herat's Salma Dam. *The Wire*. Archived from the original on 4 June 2016. Retrieved 4 June 2016.
- Elhance, A. (1999). *Hydro-politics in the Third World*. United States Institute for Peace.
- Finn, M., & Jackson, S. (2011). Protecting Indigenous Values in Water Management: A Challenge to Conventional Environmental Flow Assessments. *Ecosystems*, 14 (8): 1232-1248.
- Gleick, P. (1993). Water and conflict. *International Security*, 18 (1): 79-112.
- Grech-Madin, C., Döring, S., Kim, K., & Swain, A. (2018). Negotiating water across levels: A peace and conflict 'Toolbox' for water diplomacy. *Journal of Hydrology*, 559 (18): 100-109.
- Hanasz, P. (2012). *The Politics of Water Security between Afghanistan and Iran*. Strategic Analysis Paper. Future Directions International.
- Hanna, R., & Allouche, J. (2018). *Water nationalism in Egypt: State-building, nation-making and Nile hydro-politics*. In F. Menga & E. Swyngedouw (Eds.), *Water, technology and the nation-state* (pp. 97-111). Routledge.
- Heydari, O., & Gholizadeh, M. (2020). Evaluation of Gorganrood River water quality based on surface water quality indicators in Gonbad Kavous, Iran. *J. Health Environ*, 13 (1): 33-48.
- Houk, A. (2011). *Transboundary Water Sharing: Iran and Afghanistan*. The Stimson Center.
- Hussein, H. (2016). *An analysis of the discourse of water scarcity and hydro-political dynamics in the case of Jordan*. Doctoral dissertation, University of East Anglia.
- Iran Again Accused of Trying to Halt Afghan Dam. *Institute for War & Peace Reporting*. Retrieved 6 June 2016.
- Iran Statistical Center. (2019). *Khorasan Razavi*. Annual Report.
- Islam, S., & Susskind, L. (2012). *Water diplomacy: A negotiated approach to managing complex water networks*. Routledge, New York.
- Islam, T. (2011). Impact of Helmand Water Dispute on the Bilateral Relations between Iran and Afghanistan; an Evaluation. *International Journal of Central Asian Studies*, 15 (11): 112-141.
- Joya, O. (2012). *Natural Resources: What Strategy for Afghanistan*. Samuel Hall.
- Karimi, S., Mahkoui, A., & Gandhamkar, A. (2019). The effect of the Harirud border river on the hydro-political relations between Iran and Afghanistan. *New Perspectives in Human Geography*, 13(1): 17-37. [In Persian]
- Klimes, M., Michel, D., Yaari, E., & Restiani, P. (2019). Water diplomacy: The intersect of science, policy and practice. *Journal of Hydrology*, 575 (19): 1362-1370.
- Kaura, V. (2020). Iran's influence in Afghanistan. *Photo by WAKIL KOHSAR/AFP via Getty Images*, 23 June. <https://www.mei.edu/publications/irans-influence-afghanistan>
- Khorasan Razavi Governorate. (2019). *Khorasan Razavi*. Annual Report.
- King, M., & Sturtewagen, B. (2010). *Making the Most of Afghanistan's River Basins: Opportunities for Regional Cooperation*. EastWest Institute.
- Koff, H., Magand, C., & Kauffer, E. (2020). Transboundary water diplomacy among small states: a giant dilemma for Central American regionalism. *Water International*, 45 (4): 275-291.
- Koomen, E., Koekoek, A., & Dijk, E. (2011). Simulating land-use change in a regional planning context. *App Spatial Anal, Pol*, 4 (4): 223-247.

- Loodin, N., & Warner, J. (2022). A Review of Hydro-Hegemonic Dynamics on the Transboundary Harirud River Basin: 2001–Present. *Water*, 14 (21): 34-52.
- Mazloun Yar, F. G., Rahmani, M., & Amir, E. (2023). Identifying the Effective Factors and the Importance of the Harirud Watershed in Afghanistan and its Impact on Iran. *Randwick International of Social Science Journal*, 4 (2): 254-267.
- McIntyre, O. (2016). *Environmental Protection of International Watercourses under International Law*. Routledge.
- Mirumachi, N. (2020). Informal water diplomacy and power: A case of seeking water security in the Mekong River basin. *Environmental Science & Policy*, 114 (2): 86-95.
- Molnar, K., Cuppari, R., Schmeier, S., & Demuth, S. (2017). *Preventing Conflicts, Fostering Cooperation: The many Roles of Water Diplomacy*. UNESCO's International Centre for Water Cooperation (ICWC) at SIWI; UNESCO's International Centre for Water Resources and Global Change (ICWRGC), Stockholm, Koblenz.
- Nagheeb, M., & Warner, J. (2018). The geopolitical overlay of the hydro-politics of the Harirud River Basin. *Int Environ Agreements*, 18 (7): 839–860.
- Nagheeb, M., Piri, M., & Faure, M. (2019). The Legitimacy of Dam Development in International Watercourses: A Case Study of the Harirud River Basin. *Transnational Environmental Law*, 8 (2): 247-278.
- Peterson, S. (2013). *Why a dam in Afghanistan might set back peace*. Christian Science Monitor. July 30, 2013, <http://www.csmonitor.com/World/Asia-South-Central/2013/0730/Why-a-dam-in-Afghanistan-might-set-back-peace>.
- Plot to blow up dam hatched in Quetta: NDS. *Pajhwok Afghan News*, 1 April 2013. Retrieved 2013-04-01.
- Rabiei-Dastjerdi, H., Zarghani, S.H., Azami, H., Heydari, A., Janparvar, M., & Jafari, F. (2021). Spatial distribution of regional infrastructures in the northeast of Iran using GIS and Mic Mac observation (A case of Khorasan Razavi province). *Journal home page for Heliyon*, 7 (6): 71-92.
- Ramachandran, S. (2016). *Afghanistan risks water conflict with Iran*. journalist Afghanistan risks water conflict with Iran, 30 July. <https://www.cacianalyst.org/publications/analytical-articles/item/13379-afghanistan-risks-water-conflict-with-iran.html>
- Renner, M. (2009). *Water challenges in Central-South Asia*. Noref Policy Brief. No 4 December 2009. Norwegian Peacebuilding Centre.
- Saeedi, N. (2022). The Silent War 'Afghanistan and Iran Water Crisis. *AHBVÜ Edebiyat Fakültesi Dergisi*, 22 (7): 49-56
- Sands, P., Peel, J., Fabra, A., & MacKenzie, R. (2018). *Principles of International Environmental Law*. 3rd edn, Cambridge University Press.
- Simoes, F.D. (2017). The role of investment arbitration in water services governance. *Water Policy*, 19 (2): 271–285.
- Tolo News. (2013). *BA REWAYATE DIGAR: Water resources of Afghanistan*. August 26, <http://www.tolonews.com/en/ba-rewayate-digar/11685-ba-rewayate-digar-water-resources-of-afghanistan>.
- Vlachos, E. (1996). *Hydrodiplomacy and Dispute Resolution in Private Water Resources Conflicts*. (Eds.), Transboundary Water Resources Management, Springer, Berlin, Heidelberg Nato ASI Series (Environment).
- Warner, J. (2012). The struggle over Turkey's Ilisu Dam: domestic and international security linkages. *Int Environ Agreements*, 12 (5), 231–250.

- Warner, J., Mirumachi, N., Farnum, R. L., Grandi, M., Menga, F., & Zeitoun, M. (2017). Transboundary 'hydro- hegemony': 10 years later. *Wiley Interdisciplinary Reviews: Water*, 4 (6): 1221-1242.
- Warner, V., & Thomas, J. (2015). Hydro-politics in the Harirud/Tejen River Basin: Afghanistan as Hydro-hegemon. *Water International*, 40 (4): 593-613.
- Wilder, M., Varady, R., Mumme, S., Gerlak, A., Pineda Pablos, N., & Scott, C. (2019). *U.S. – Mexico Hydrodiplomacy: Foundations, Change, and Future Challenges, Science & Diplomacy*. <http://www.sciencediplomacy.org/article/2019/usmexicohydrodiplomacy-foundations-change-and-future-challenge>
- Wolf, A. (2007). Shared waters: conflict and cooperation. *Annual Review of Environment and Resources*, 32 (3): 1–29.
- Yasuda, Y., Hill, D., Aich, D., Huntjens, P., & Swain, A. (2018). Multi-track water diplomacy: current and potential future cooperation over the Brahmaputra River Basin. *Water International*, 43 (5): 642–664.
- Yeganeh, Y., & Bakhshandeh, E. (2022). IRAN'S MODEL OF WATER DIPLOMACY TO PROMOTE COOPERATION AND PREVENT CONFLICT OVER TRANSBOUNDARY RIVERS IN SOUTHWEST ASIA. *Journal indexing and metrics*, 185 (2): 1-17.
- Zeitoun, M., Mirumachi, N., Warner, J., Kirkegaard, M., & Cascão, A. (2019). Analysis for water conflict transformation. *Water International*, 45 (4): 365-384.

